

جهاد بخاطر تأسیس دولت اسلامی

(ترجمه)

سوال:

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

کسی سوال نموده که حزب التحریر برای برپائی دولت خلافت تنها بر دوران مکی استناد نموده و جهاد در مرحله دعوت بسوی خلافت را خلاف شرع می‌داند و می‌گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم به این کار اقدام نکرده است. سوال کننده می‌افزاید: چرا دلائل برپائی دولت اسلامی از دوران مدنی گرفته نمی‌شود تا بدین اساس جهاد بر حال خود باقی باشد؟ آیا پاسخ قناعت‌بخشی در این مسأله وجود دارد؟ الله سبحانه و تعالی شما را جزای خیر دهد.

جواب:

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

برای جواب به این سوال چند مسأله نیاز به توضیح دارد:

1. دلائل وارده در مورد یک حکم شرعی از کتاب باشد و یا از سنت، واجب است که پیروی شود و هیچ فرقی بین دلائل وارده در دوران مکی و مدنی نمی‌باشد.

2. دلائل پذیرفته شده در مورد یک مسأله، دلائلی است که در مورد خود مسأله آمده باشد؛ نه دلائلی که در مورد غیر آن. به گونهٔ مثال:

الف) وقتی شخصی خواسته باشد که چگونگی وضوء را بداند، پس در مورد دلائل وضوء بررسی شود، فرقی نمی‌کند که این دلائل در مکه نازل شده باشد و یا در مدینه، و حکم شرعی مطابق به اصول پذیرفته شده باید استنباط شود. بناءً برای چگونگی و شناخت حکم وضوء نمی‌شود دلائل حکم روزه تحقیق و بررسی شود.

ب) وقتی شخصی خواسته باشد که احکام حج را بداند، باید دلائل مربوط به حج تحقیق و بررسی شود، فرقی نمی‌کند که دلائل آن در مکه نازل شده باشد و یا در مدینه. حکم شرعی مطابق اصول پذیرفته شده استنباط می‌شود و ما نمی‌توانیم برای شناخت و معرفت احکام حج به دلائل نماز استناد کنیم و حکم حج را از دلائل نماز بگیریم.

ج) وقتی شخصی خواسته باشد که احکام جهاد فرض عینی و جهاد کفائی را بداند و یا شخص خواسته باشد که احکام مرتب بر جهاد را بداند، مثلاً می‌خواهد بداند که آیا جنگ شود و یا صلح، باید دلائل مربوط به جهاد تحقیق و بررسی شود، فرقی نمی‌کند که این دلائل در مکه نازل شده باشد و یا در مدینه. حکم شرعی از همین دلائل مطابق به اصول پذیرفته شده استنباط می‌شود و برای شناخت احکام جهاد ما نمی‌توانیم دلائل مربوط به زکات را به بررسی بگیریم تا احکام مربوط به جهاد را از دلائل مربوط به زکات پیدا کنیم.

د) هم‌چنان برای شناخت هر حکم در تمام مسائل، دلائلی بررسی می‌شود که مربوط به خودش باشد، فرقی نمی‌کند که این دلائل در مکه نازل شده باشند و یا در مدینه. حکم شرعی از همان دلائل مربوط به حکم مطابق به اصول پذیرفته شده استنباط می‌گردد. حالا به مسأله برپائی دولت اسلامی و دلائل آن می‌پردازیم؛ دلائلی که در مکه نازل شده و یا در مدینه حکم شرعی را از همان دلائل مربوط مطابق به اصول پذیرفته شده استنباط می‌کنیم.

ما هیچ دلیلی را برای برپائی دولت اسلامی جز دلائلی که در سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه دیده می‌شود، در زمینه نداریم. ثابت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه به صورت سری دعوت کرد تا یک کتله مومن و صبور را ایجاد کند؛ بعداً موجودیت‌شان را در مکه اعلام کردند و سپس از اهل قوت و قدرت به طلب نصرت پرداختند و در این مرحله الله سبحانه و تعالی رسول الله صلی الله علیه وسلم را با نصرت خویش عزت داد و رسول الله صلی الله علیه وسلم بسوی اهل قوت هجرت کرد و به این شکل دولت اسلامی را تأسیس کردند.

این دلائل برپائی دولت اسلامی است و غیر از این دیگر دلائلی برای برپائی دولت اسلامی وجود ندارد. رسول الله صلی الله علیه وسلم این دلائل سه مرحله‌ای را به صورت واضح و روشن عمل نموده و لازم است که بر این دلائل عملی پایبندی نمائیم.

پس مسأله به دوران مکی قبل از فرضیت جهاد و دوران مدنی بعد از فرضیت جهاد ارتباطی ندارد؛ بلکه مسأله در مورد دلائل چگونگی برپائی دولت اسلامی است و این دلائل را جز از دوران مکی نمی‌توان پیدا کرد تا این که رسول الله صلی الله علیه وسلم به خاطری برپائی دولت اسلامی به مدینه هجرت کردند.

بر پائی دولت اسلامی یک مسأله است و جهاد مسأله‌ای دیگری؛ طوری که قبلاً تذکر دادیم، دلائل برپائی دولت اسلامی از دلائل مربوط به خودش استنباط می‌شود، دلائل جهاد از دلائل مربوط به خودش و مسأله‌ای تأسیس دولت جدا از مسأله‌ای جهاد است و هیچ یک از این دو مسأله به مسأله‌ای دیگر توقف پیدا نمی‌کند. بناءً جهاد در نبود دولت اسلامی معطل نمی‌شود. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«وَالْجِهَادُ مَا ضِ مِّنْهُ بَعَثَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ أَنْ يُقَاتِلَ آخِرُ أُمَّتِي الدَّجَالَ، لَا يُبْطِلُهُ جَوْرُ جَائِرٍ وَلَا عَدْلُ عَادِلٍ»

ترجمه: از زمانی که الله سبحانه و تعالی مرا به رسالت فرستاده تا آخرین امت من که دجال را به قتل برساند جهاد ادامه دارد، جهاد را ظلم ظالم و عدل عادل معطل نمی سازد. (بیهقی این حدیث را در سنن کبری از انس ابن مالک تخریج نموده است.)

لذا جهاد طبق احکام شرعی تا روز قیامت ادامه دارد، فرق نمی کند که خلافت موجود باشد و یا نباشد و هم چنان کار و فعالیت برای برپائی خلافت به دلیل معطل قرار دادن جهاد توسط حکام معطل قرار نمی گیرد. پس کار و فعالیت برای خلافت جریان دارد تا خلافت بر پا شود، زیرا عدم موجودیت بیعت برای خلیفه، حالتی است که صاحبان قدرت مرتکب حرام می شوند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

ترجمه: کسی که دست بیعت و اطاعت را از خلیفه بکشد، الله سبحانه و تعالی را در روز قیامت در حالی ملاقات می نماید که هیچ عذر و دلیلی برایش نمی باشد، کسی که بمیرد و در گردنش بیعتی نباشد به مرگ جاهلیت مرده است.

بناءً جهاد جریان دارد و کار برای خلافت نیز تا زمان برپائی خلافت جریان دارد و یکی از این دو حکم با یکی دیگری توقف پیدا نمی کند. این دو مسأله ای جداگانه اند، و برای اثبات هر یکی از این دو مسأله نیاز به دلائل شرعی مربوط به خودش را دارد و از دلائل شرعی مخصوص هر کدام دلائل آن طبق اصول پذیرفته شده، استنباط می شود.

بناءً حزب التحریر به طریقه رسول الله صلی الله علیه و سلم پایبندی دارد؛ طریقه ای که رسول الله صلی الله علیه و سلم در مکه شروع کرد و تا مدینه و الی تأسیس دولت اسلامی جریان داشت و به اعمال مادی اقدام نکرد.

مراحل دعوت بخاطر برپائی دولت خلافت ربطی به دوران مکی و مدنی ندارد؛ بلکه عدم دست زدن به اعمال مادی دلیلی است که رسول الله صلی الله علیه و سلم در مرحله دعوت به سوی دولت اسلامی الی مرحله مدینه دست به اعمال مادی نزده است. در قضیه برپائی دولت خلاف هیچ دلیلی جز طریقه رسول الله صلی الله علیه و سلم در طی سه مرحله نمی باشد.

اگر موضوع و مسأله در مورد کارکردهای دولت اسلامی و ساختار آن باشد، بدون شک ما به دلائلی متمسک می شویم که رسول الله صلی الله علیه و سلم در مدینه در مورد کارکردهای دولت اسلامی و ساختار آن بیان کرده است.

خلاصه این که:

اول) احکام هر مسأله از دلائل وارده مربوط به خود همان مسأله گرفته می شود، خواه دلائل آن در مکه نازل شده باشد و یا در مدینه. به گونه مثال: احکام روزه از دلائل مربوط به روزه گرفته می شود و احکام نماز از دلائل مربوط به نماز. به همین ترتیب احکام

جهاد از دلائل مربوط به جهاد و احکام برپائی دولت اسلامی از دلائل مربوط به دولت اسلامی اخذ می‌گردد. به همین شکل همه احکام شرعی.

دوم) پایبندی به طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه مکرمه برای تأسیس دولت اسلامی به خاطری است که دیگر دلیلی غیر از دلائل مکی نمی‌باشد؛ اگر غیر از دلائل مکی و سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه نیز در مدینه برای تأسیس دولت اسلامی وجود می‌داشت، بدون شک استدلال بر آن جائز بود.

از الله سبحانه و تعالی می‌طلبیم که یاری و توفیق را برای ما نصیب فرماید تا بتوانیم دولت اسلامی، خلافت راشده را برپا نمائیم تا به وسیله این دولت بزرگ، اسلام و مسلمانان عزت یافته، کفر و کفار ذلیل و خوار شوند و خیر و برکت در تمام جهان عام گردد. بدون شک ایجاد چنین حالتی بر الله سبحانه و تعالی دشوار نبوده؛ بلکه بسیار آسان است.

برادران عطاء ابن خلیل ابوالرشته

مترجم: مصطفی اسلام